

درس تفسیر استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

تاریخ: ۸ مهر ۱۳۹۸
مصادف با: ۱ صفر ۱۴۴۱
جلسه: ۱

موضوع کلی: سوره بقره
موضوع جزئی: آیه ۳۰ - مروری بر مباحث گذشته

﴿الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین﴾

مروری بر مباحث گذشته

چون بین آخرین جلسه و این جلسه ای که آغاز دروس سال جدید است فاصله ای افتاده، اجمالی از مطالب آخرین آیه بحث گذشته را عرض می‌کنم و انشاءالله ادامه مطالب را بیان می‌کنم.

بحث ما رسیده بود به آیه ۳۰ سوره بقره، «وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً قَالُوا أَتَجْعَلُ فِيهَا مَنْ يُفْسِدُ فِيهَا وَيَسْفِكُ الدِّمَاءَ وَنَحْنُ نُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ وَنُقَدِّسُ لَكَ قَالَ إِنِّي أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ».

۱. عرض کردیم از این آیه تا ۹ آیه بعد یعنی از آیه ۳۰ تا آیه ۳۸ درباره داستان خلقت حضرت آدم است. این داستان تقریباً با جزئیاتش و به این نحو تنها در این آیه از قرآن ذکر شده، هرچند به موضوع خلقت حضرت آدم و زوایایی از این داستان در مواضع و آیات مختلف اشاره شده، اما این آیه کاملترین و جامع‌ترین آیه در این رابطه است که چندین نکته و مطلب در آن ذکر شده است. لذا اهمیت این آیه به عنوان اینکه به یکی از موضوعات مهم پرداخته آنهم به نحو کاملتر از بقیه موارد، کاملاً روشن و آشکار است. این آیه به طور کلی متضمن دو بخش است. یکی اعلام خلافت انسان به ملائکه، یعنی خداوند تبارک و تعالی به ملائکه اعلام می‌کند که می‌خواهم انسان را خلق کنم به عنوان خلیفه و جانشین خودم؛ و گفتگو هایی که در پی اعلام خلافت انسان بین خداوند و ملائکه صورت گرفته است. بخش دوم به جایگاه انسان در نظام خلقت و آفرینش بر می‌گردد و اینکه قابلیت های منحصر انسان باعث شد تا انسان در این جایگاه ویژه در نظام هستی قرار گیرد. این دو بخش کلی آیات است.

۲. در رابطه با تناسب با آیات قبلی هم عرض کردیم که سه احتمال وجود دارد، در آیه ۲۸ و ۲۹ اینچنین آمده «كَيْفَ تَكْفُرُونَ بِاللَّهِ وَكُنْتُمْ أَمْوَاتًا فَأَحْيَاكُمْ ثُمَّ يُمَيِّتُكُمْ ثُمَّ يُحْيِيكُمْ ثُمَّ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ» و «هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا ثُمَّ اسْتَوَىٰ إِلَى السَّمَاءِ فَسَوَّاهُنَّ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ». در مورد ارتباط این دو آیه با آیه ۳۰ که داستان خلقت آدم است، سه احتمال وجود دارد.

احتمال اول اینکه اگر ما این نعمت ها را به انسان دادیم که «خَلَقَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا ثُمَّ اسْتَوَىٰ إِلَى السَّمَاءِ فَسَوَّاهُنَّ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ...» برای این است که انسان موجودی خاص است که خداوند به خاطر قابلیت هایی که در نهاد این موجود بوده، او را جانشین خود قرار داده.

احتمال دوم این بود که خداوند در آیات قبلی به تعدادی از نعمت های خودش اشاره کرده ولی در آیه ۳۰ به مهمترین نعمت که نعمت معرفت و آگاهی است اشاره می کند و این اعلام خلافت و جعل خلیفه مقدمه است برای آن نعمت اصلی و مهمترین نعمت خداوند به انسان که عبارت از معرفت و آگاهی است.

احتمال سوم اینکه خداوند متعال می خواهد به منکران این مطلب را القاء کند که از کسب معرفت و آگاهی پرهیز نکنند و اگر نیازمند دانستن هستند حتما بیروند، همانطور که ملائکه چیزی را که نمی دانستند از خدا پرسیدند و سر انجام خداوند به این وسیله می خواهد به پیامبر تسلی بدهد که اگر می بینید کافران سوال های خاصی در موضوعات مختلف از تو می پرسند، رنجیده خاطر نشو، چون خود خداوند که خالق این نظام است هم در معرض پرسش قرار گرفته است.

در بین این احتمالات، هرچند همه اینها هم می تواند به نوعی ایجاد تناسب و ارتباط کند بین این آیات و آیات قبلی، اما احتمال اول احتمالی است که با مجموع مضمون آیات ۳۰ تا ۳۸ سازگار تر است و همچنین احتمال دوم.

۳. بعد از بیان این ارتباط به مفردات آیه پرداختیم و ۸ واژه از واژه های این آیه را معنا کردیم. إذ، قال، ربُّک، ملائکة، جعل، خلیفة، تسبیح و تقدیس. این هشت واژه ای بود که اجمالا به عنوان مفردات آیه درباره آن سخن گفتیم.

۴. بعد عرض کردیم، در بخش اول وجه اعلام خلافت انسان را بیان می کند، که ۷ احتمال یا وجه قابل ذکر است.

ما همه این هفت وجه را مورد بررسی قرار دادیم و آن وجهی که مورد قبول واقع شد این بود که خداوند می خواست به ملائکه که تنها موجودات صاحب شعور در این عالم بودند بفهماند که محور نظام هستی و کانون آفرینش انسان است. اینکه او را به عنوان خلیفه خودش معرفی می کند، در واقع غرض این بوده که به ملائکه که تقریباً سر آمد همه موجودات به غیر از انسان تا آن روز بودند، اعلام کند که این انسان محور نظام هستی است و اوست که تنها می تواند بار سنگین امانت الهی را به دوش بگیرد و به خاطر قابلیت های خاصش خلیفه شده است. پس هدف از اعلام خلافت انسان به یک معنا هدفمند بودن نظام هستی و غایتمند بودن آفرینش و اینکه محور در این نظام و خلقت انسان است و همه توجهات به سمت اوست و حتی توجه ملائکه را هم به این سمت جلب کند.

۵. بعد از بیان این امور، (یکی ارتباط این آیه با آیات قبل، دوم مضمون این آیات نه گانه و اینکه چه مطالبی در این آیات بیان شده و مفردات آیه و نیز وجه اعلام خلافت انسان توسط خداوند)، گفته شد که چند مطلب اساسی را باید به آن پرداخت:

یکی اینکه اساساً خلیفه چه کسی است؟ درست است که خداوند فرموده: «إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً» و منظور انسان است، اما پنج احتمال در اینجا وجود دارد که عرض کردیم. دوم اینکه مُسْتَخْلَفٌ عنه کیست، سوم اینکه حقیقت خلافت چیست و چهارم مراتب خلافت است. یعنی اینکه انسان از طرف چه کسی خلیفه شده و برای چه خلیفه شده، چند مطلبی هستند که باید درباره اش بحث شود.

مطلب اول که خلیفه کیست را بحث کردیم پنج احتمال در این رابطه بیان کردیم. یک احتمال اینکه خلیفه شخص آدم ابوالبشر است. دوم اینکه خلیفه خصوص انسان کامل است، سوم انسان های متقی و پرهیزکار. چهارم اینکه همه انسان ها که عام ترین معنا برای خلیفه است. همه انسان ها به نحو فعلی خلیفه قرار داده شده اند منتهی برخی از مسیر خلافت خارج می شوند و إلا بالفعل همه انسان ها خلیفه اند که شامل مؤمن و کافر و همه می شود. ما این چهار احتمال را رد کردیم و گفتیم هیچ کدام پذیرفته نیست چون هر کدام شواهدی دارد و ما همه را بررسی و رد کردیم.

ماند یک احتمال و آن اینکه خلیفه عبارت است از انسان ها منتهی نه اینکه همگی بالفعل خلیفه باشند، بلکه همه انسان ها استعداد خلافت دارند یعنی همه می توانند به گونه ای زندگی کنند که به مقام خلافت برسند. پس «إنی جاعلٌ فی الأرض خلیفة» یعنی من دارم موجودی خلق می کنم که این موجود، استعداد وصول به این مقام را دارد. بر این اساس همه انسان ها می شوند خلیفه منتهی نه این که بالفعل خلیفه باشند بلکه استعداد خلافت دارند. آنوقت برخی این استعداد ها را به فعلیت می رسانند و می شوند خلیفه الله. البته خود خلافت هم مراتب و درجات دارد. بعضی ها نه تنها از این استعداد استفاده نمی کنند بلکه این استعداد را از بین می برند و می شوند «أولئک کالأنعام بل هم أضل» و در گرداب هلاکت می افتند. این تقریباً گزارشی از جلساتی بود که پیرامون آیه ۳۰ سوره بقره در سال گذشته بحث کردیم که این باید ادامه پیدا کند چون بعضی مطالب در خصوص آیه ۳۰ وجود دارد که باید دنبال شوند.

«والحمد لله رب العالمین»